

جمهوری اسلامی و عادی سازی ویرانی جنگ

شهلا دانشفر، صفحه ۲



تعرضات معیشتی و انتقال هزینه جنگ به مردم

سبحان ایزدی، صفحه ۳

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع رانندگان استجاری و اخباری از نفت صفحه ۶

سپیده قلیان آزاد شد

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، پرستاران یزد و نانویان خراسان

صفحه ۷

مدیای اجتماعی

گروگان گیری معیشت کارگران در پتروشیمی ماهشهر؛ کارگران دست به تجمع زدند! صفحه ۹

کشتار و اعدام و خاموشی دیجیتال نیست جلودار ما، صفحه ۸

بیانیه اعتراضی پرسنل شرکت گروه ملی صنعتی در رابطه با افزایش حقوق سال ۱۴۰۵، صفحه ۱۰

در حمایت از فراخوان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، صفحه ۸

یورش مأموران امنیتی به منزل محمود بهشتی؛ احضار به دفتر پیگیری لنگرود، صفحه ۹

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۳۸

۱۱ خرداد ۱۴۰۵

۱ ژوئن ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران سایپا زیر فشار

مهران منصوری

صفحه ۴

اینترنت؛ از ابزار سرکوب تا

بستر سازمان یابی و

همبستگی

منصور رضوانی

صفحه ۵

به حزب

کمونیست کارگری

پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

جمهوری اسلامی و عادی سازی ویرانی جنگ شهلا دانشفر

پس از هر دوره تنش و درگیری نظامی میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، حکومت ایران تلاش کرده است تصویری «عادی» از وضعیت کشور ارائه دهد؛ تصویری که در آن پالایشگاه‌ها فعال‌اند، صادرات نفت ادامه دارد و زیرساخت‌های حیاتی بدون اختلال کار می‌کنند. این سیاست، تنها یک عملیات تبلیغاتی نیست، بلکه بخشی از راهبرد سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی برای کنترل فضای اجتماعی، جلوگیری از گسترش ناراضی‌ها و پنهان نگاه داشتن ابعاد واقعی خسارات جنگ است. اما پشت این نمایش ثبات، واقعیتی دیگر جریان دارد: انتقال هزینه‌های جنگ و بحران به طبقه کارگر، به‌ویژه کارگران نفت و گاز.

صنعت نفت برای جمهوری اسلامی ستون اصلی بقای اقتصادی و سیاسی حکومت است. هرگونه توقف در تولید، تعطیلی پالایشگاه‌ها یا انتشار اخبار گسترده از خسارات جنگی می‌تواند نشانه‌ای آشکار از شکنندگی حکومت باشد. از همین رو، حکومت می‌کوشد حتی در بحرانی‌ترین شرایط نیز چرخه تولید را حفظ کند و ظاهر «عادی بودن» را به جامعه و جهان نشان دهد. این سیاست اما در عمل با فشار مستقیم بر کارگران برای ادامه کار در شرایط ناامن و جنگی همراه شده است.

طبق گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، صبح روز چهارم خرداد ۱۴۰۵ در جریان آواربرداری تأسیسات آسیب‌دیده ناشی از انفجار گازهای باقی‌مانده در خطوط لوله، شش کارگر پیمانکاری دچار آسیب‌دیدگی شدند که سه نفر از آنان به بیمارستان عسویه منتقل شدند. در بخشی از این گزارش آمده است:

"برخلاف گزارش دروغین مدیران منطقه ویژه پارس جنوبی و شورای تأمین منطقه، به دلیل فتنه‌های و جداسازی مناطق آسیب‌دیده پالایشگاه، حضور با تأخیر تیم آتش‌نشانی و اورژانس در عملیات نجات و تأخیر در خروج کارگران مصدوم از منطقه بحران، آسیب جدی این همکاران را رقم زده است."

این گزارش تصویری روشن از سیاست پنهان‌سازی خسارات جنگ ارائه می‌دهد؛ سیاستی که در آن، به جای توقف عملیات خطرناک و تضمین ایمنی کارگران، اولویت اصلی حکومت کنترل اخبار و جلوگیری از انتشار ابعاد واقعی تخریب‌هاست.

طبق همین گزارش و به نقل از کارگران شاغل در پالایشگاه‌های آسیب‌دیده پارس جنوبی و پتروشیمی‌های عسویه و ماهشهر، مسئولان حکومتی تلاش گسترده‌ای برای عادی‌سازی شرایط و پنهان‌سازی خرابی‌های ناشی از جنگ دارند. در همین راستا، کارگران را وادار می‌کنند در شرایط بسیار ناامن وارد عملیات بازسازی شوند؛ در حالی که به گفته کارگران، هیچ‌یک از مدیران مسئول صلاحیت امضای مجوزهای ایمنی و «پریمیت صدور مجوز کار» در شرایط فوق‌العاده جنگی را ندارند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت، این تحمیل اجباری کار بازسازی به کارگرانی که نه آموزش تخصصی دیده‌اند و نه دوره‌های ایمنی لازم را گذرانده‌اند، اقدامی غیرقانونی و «بازی با جان کارگران» توصیف کرده است. این شورا همچنین همکاران خود در تمامی بخش‌های صنعت نفت را به گسترش اعتراضات علیه این تعرضات و شرایط خطرناک فراخوانده است.

کنفرانس

ایران: جنبش کارگری،
آزادی سندیکایی و زندانیان سیاسی
به مناسبت یکصد و چهاردهمین نشست سازمان بین‌المللی کار در ژنو

سخنرانان



رمی پاکانی
دیر سندیکایی SIT و SSP،
شهردار پیشین ژنو،
عضو شورای شهر ژنو

شهلا دانشفر
فعال کارگری ایرانی و
سخنگوی کارزار
«آزادشان کنید»

اسماعیل عبدی
فعال سندیکایی و
زندانی سیاسی پیشین

پائولو جیلاردی
سندیکالیست پیشین و
فعال ضدنظامی‌گری

پیرسا پوینده
عضو هیئت‌مدیره
شبکه جهانی برای آزادی
زندانیان سیاسی و عقیدتی

تاریخ: شنبه ۲ ژوئن ۲۰۲۴
ساعت: ۱۸:۰۰
محل: سالن سادو
خانه بین‌المللی انجمن‌ها
Rue des Savoises 15, 1205 Genève
پس از کنفرانس، آپرو برگزار خواهد شد

برگزارکنندگان

مرکز زاکوس برای حقوق بشر
(دارای مقام شورای اکوسوف)

شبکه جهانی برای آزادی
زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

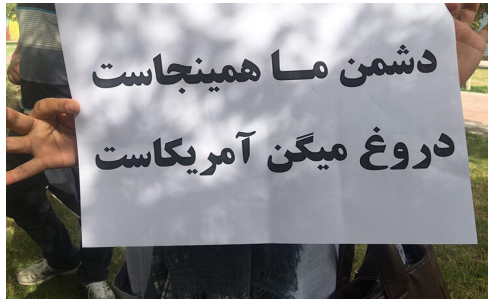
آزادشان کنید
(ایران)

این اتفاق تنها یک حادثه صنعتی نیست؛ بلکه نمادی از سازوکاری است که جمهوری اسلامی در دوره پس از جنگ دنبال می‌کند: مخفی کردن ابعاد بحران از طریق حفظ ظاهری تولید و ثبات، حتی به قیمت جان کارگران. در چنین شرایطی، کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای که از حداقل امنیت شغلی برخوردار نیستند، میان دو انتخاب قرار می‌گیرند: پذیرش خطر مرگ و آسیب‌دیدگی، یا اخراج و محرومیت از معاش.

خبرهای منتشرشده از مراکز نفتی، از فضای اعتراضی و خشم گسترده کارگران حکایت دارد. بسیاری از کارگران معتقدند که حکومت نه تنها مسئول اصلی کشیده شدن کشور به بحران و جنگ است، بلکه اکنون نیز می‌کوشد هزینه‌های این بحران را بر دوش نیروی کار بیندازد. در همین رابطه، حزب کمونیست کارگری بر اتحاد سراسری کارگران در مقابله با تعرضات حکومت و همچنین پرداخت خسارت به کارگرانی که در نتیجه صدمات جنگی بیکار شده‌اند تأکید کرده است.

واقعیت این است که سیاست عادی‌سازی جمهوری اسلامی، بیش از آنکه نشانه ثبات باشد، تلاشی برای مدیریت سیاسی بحران و جلوگیری از آشکار شدن میزان آسیب‌پذیری حکومت است. اما این «ثبات نمایشی» بر شانه‌های کارگرانی بنا شده که در شرایط جنگی، بدون امکانات ایمنی و بدون حق انتخاب، مجبور به کار در پالایشگاه‌ها و مناطق آسیب‌دیده هستند. جنگ برای حاکمان ممکن است یک پروژه سیاسی و نظامی باشد، اما برای کارگران نفت، به معنای کار اجباری در میان آوار، آتش و خطر مرگ است.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



تعرضات معیشتی و انتقال هزینه جنگ به مردم سبحان ایزدی

جمهوری اسلامی که خود مسبب جنگ و جنگ‌افروزی است، امروز می‌کوشد هزینه‌های آن را مستقیماً بر دوش کارگران و کل جامعه سوار کند. افزایش قیمت کالاهای اساسی، حذف یارانه‌ها، رشد مالیات‌های غیرمستقیم، سقوط ارزش پول و کاهش مداوم دستمزد واقعی، همگی بخشی از این تعرض سازمان‌یافته به زندگی مردم است.

بدین ترتیب، در حالی که ثروت و سرمایه در دست اقلیتی کوچک متمرکز مانده و حقوق‌های نجومی، رانت‌خواری و چپاول حکومتی همچنان برقرار است، وضعیت معیشتی مردم از هر زمان وخیم‌تر شده است. اکثریت جامعه با فقر، بدهی و بی‌تامینی مطلق روبه‌رو هستند. اقتصاد عملاً به مرز فروپاشی کشیده شده و در برابر افزایش نجومی قیمت‌ها، نه تنها دستمزد کارگران افزایش واقعی نداشته، بلکه همان مزایا و تعلقات ناچیز مزدی نیز به بهانه‌های مختلف مورد تعرض قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که دریافتی کارگر امروز به هیچ‌وجه پاسخگوی ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی نیست.

خانواده‌های کارگری برای تأمین اجاره خانه، خوراک، درمان و آموزش زیر فشار دائمی قرار دارند و هر روز بخش بیشتری از جامعه به زیر خط فقر رانده می‌شود؛ تا جایی که حتی داشتن سرپناهی برای گذران شب نیز برای میلیون‌ها نفر به مسئله‌ای بحرانی تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، حکومت می‌خواهد هزینه جنگ، سرکوب و بحران اقتصادی را از مردم بگیرد؛ اما جامعه‌ای که خود قربانی این سیاست‌هاست، حاضر به تن دادن به این وضعیت نیست و خشم و نارضایتی عمیقی در آن انباشته شده است. بویژه آنکه موج گسترده بیکارسازی‌ها و گسترش ناامنی شغلی، وضعیت جامعه را آشفته‌تر کرده است. بسیاری از مراکز تولیدی تعطیل یا نیمه‌تعطیل شده‌اند و کارفرمایان با سوءاستفاده از بحران اقتصادی، به اخراج نیروها و تحمیل هرچه بیشتر قراردادهای موقت و سفیدامضا روی آورده‌اند.

فروپاشی اقتصادی، کارگران را بیش از پیش با تهدید دائمی بیکاری روبه‌رو کرده و همین ترس به ابزاری برای تحمیل دستمزدهای پایین‌تر و شرایط کاری سخت‌تر تبدیل شده است. مزایای شغلی حذف می‌شود، بیمه‌ها کاهش پیدا می‌کند و ساعات کار افزایش می‌یابد، در حالی که ارزش واقعی دستمزدها هر روز کمتر می‌شود. این وضعیت چیزی جز تشدید استثمار نیروی کار نیست؛ سود بیشتر برای صاحبان سرمایه و فقر عمیق‌تر برای اکثریت جامعه.

ترکیب گرانی، بیکاری، دستمزدهای ناچیز و سرکوب سیاسی، محیط‌های کار را به فضایی انفجاری تبدیل کرده است. اعتراض به حقوق‌های عقب‌افتاده، اعتصاب علیه اخراج‌ها و تجمع برای افزایش دستمزد، نشانه‌های نارضایتی عمیقی است که در میان کارگران گسترش یافته است.

وقتی زندگی روزمره به مبارزه‌ای برای بقا تبدیل شود، اعتراض دیگر یک

انتخاب نیست؛ بلکه ضرورتی برای ادامه زندگی است. در جامعه‌ای که تجربه خیزش‌های گسترده علیه فقر، بی‌تامینی و سرکوب را پشت سر گذاشته، وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی همچون باروتی بر خشم و اعتراض مردم عمل می‌کند. در یک کلام، مجموعه سرکوب، کشتار، چپاول، دزدی سازمان‌یافته و جنگ‌افروزی‌های حکومت، نفرت و خشم اجتماعی را به سطحی بی‌سابقه رسانده و جامعه در جستجوی فرصتی برای به میدان آمدن دوباره و پایان دادن به این وضعیت سراسر فقر، تباهی و بی‌حقوقی است.

در چنین شرایطی است که علیرغم هر میزان سرکوب، اعتراضات دارد دوباره سر بلند می‌کند. حتی بازگشت تدریجی اینترنت و کاهش محدودیت‌ها نیز ناشی از فشار همین واقعیت‌هاست؛ چرا که ادامه انسداد کامل، به معنای فلج شدن کامل اقتصاد و مختل شدن گردش امور جامعه است. از سوی دیگر، خود محدودیت‌های اینترنتی نیز به موضوعی اعتراضی در جامعه تبدیل شده است. حکومت، با وجود وحشت از سازمان‌یابی دوباره اعتراضات مردمی و خطر شکل‌گیری خیزش‌های گسترده، ناگزیر به عقب‌نشینی‌های مقطعی شده و همین مسئله شکاف‌ها و کشمکش‌های درونی آن را نیز تشدید کرده است.

همه می‌دانند که حکومت در برابر خشم انباشته جامعه، وحشت‌زده و مستأصل است. در برابر تعرضات معیشتی و تلاش حکومت برای انتقال هزینه‌های جنگ و بحران به دوش مردم، تنها راه، اتحاد و سازمان‌یابی طبقه کارگر و همه زحمتکشان است.

اعتصابات سراسری، پیوند مبارزات کارگران در بخش‌های مختلف، همبستگی میان معلمان، دانش‌آموزان، پرستاران، کارکنان خدماتی و دیگر اقشار تحت فشار، می‌تواند توازن قوا را تغییر دهد. قدرت واقعی جامعه در نیروی کار و تولید اجتماعی نهفته است و زمانی که این نیرو به صورت متحد وارد میدان شود، می‌تواند در برابر سیاست‌های جنگ‌طلبانه و ضد مردمی حکومت بایستد.

کارگران و مردم نباید هزینه بحران‌هایی را بپردازند که خود در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند. توقف جنگ‌افروزی، پایان سرکوب، افزایش واقعی دستمزدها، تضمین امنیت شغلی و تأمین یک زندگی انسانی، مطالباتی هستند که تنها از مسیر مبارزه متحد و سازمان‌یافته قابل دستیابی‌اند. چنین مبارزاتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در هموار کردن مسیر حضور توده‌ای مردم در خیابان و به پیروزی رساندن مبارزات اجتماعی ایفا کند. اکنون زمان آن است که برای تدارک این اتحاد و مبارزه سراسری گام برداشت.

سبحان ایزدی

کارگر کمونیست

زن، زندگی، آزادی!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



کارگران سایپا زیر فشار - مهران منصوری

یکی از غول‌های اقتصادی جاده مخصوص تهران، ابرکارخانه‌ی سایپا است؛ کارخانه‌ای با هفت زیرمجموعه که بخش عظیمی از صنعت خودرو را بر دوش دارد. اما اخیراً اخبار نگران‌کننده‌ای از تعرضات معیشتی به کارگران، در سایه شرایط جنگی و بحران اقتصادی، به گوش می‌رسد.

طبق گزارش‌ها، پس از تعطیلات نوروز، شیفت‌های کاری به بهانه‌ی افت تولید کاهش یافته و مدیریت، در سکوتی معنادار، سهمیه ناهار کارگران را حذف کرده است. تراژدی ماجرا آنجاست که سفره‌ی رنگین مدیران نشسته در برج‌های شیشه‌ای، از این ریاضت اقتصادی مستثنی مانده و آنان همچنان از تمام مواهب و رفاهیات سازمانی بهره‌مندند.

در این میان، شنیده‌ها حاکی از آن است که تیغ حذف مزایا تنها به ناهار ختم نشده و حق شیفت و سایر تعلقات مزدی کارگران نیز یکی پس از دیگری به یغما می‌رود. این شرکت روی کاغذ «خصوصی» است؛ اما با نگاهی گذرا به ترکیب سهام‌داران و نفوذ بی‌چون‌وچرای دولت و شرکت‌های تابعه‌اش، روشن می‌شود که اینجا همچنان حیاط خلوت مدیریت دولتی است.

به گفته‌ی کارگران، هر زمان که به این تعرضات معیشتی اعتراض می‌کنند، با این پاسخ وقیحانه روبه‌رو می‌شوند: «چون شیفت‌ها کوتاه شده، دیگر نیازی به این مزایا نیست.»

کارگران می‌گویند مدیران به هر بهانه‌ای دست در جیب مزایای آنان می‌کنند؛ اخیراً ناهار را قطع کرده‌اند و هر روز سفره‌های کارگران کوچک‌تر می‌شود. علاوه بر این، آکورد نیروها را به نصف کاهش داده‌اند اما تنها ۱۰ درصد آن را پرداخت می‌کنند. حق شیفت کارگران نیز دستکاری شده و نام آن را «حفظ نیرو» گذاشته‌اند؛ به‌طوری‌که شیفت دومی که باید ۱۵ درصد حق شیفت دریافت کند، دستخوش تغییر شده است. حتی در برخی شرکت‌ها صحبت از آن است که کارگر یک هفته کار کند و یک هفته اجباری در خانه بماند.

این وضعیت، تصویری روشن از بحران عمیق حاکم بر این شرکت و چپاول و فساد ساختاری در آن ارائه می‌دهد. استدلال مدیریت برای این کسر مزایا آن است که «شیفت‌ها کاهش یافته»؛ با همین بهانه، حق سرویس را نیز کم کرده‌اند و سرویس‌های ایاب‌وذهاب کارگران را یکی در میان کرده‌اند.

برای نمونه، یکی از شرکت‌های مستقر در جاده مخصوص، تعداد سرویس‌های خود را از ۲۸۰ به ۸۰ رسانده و سرویس‌ها تنها تا میادین اصلی تهران و کرج تردد می‌کنند. به این معنا که کارگر خسته و فرسوده باید هزینه‌ی ادامه مسیر تا خانه را از جیب خود پرداخت کند. این مزایا حتی اگر در شرکت مادر حذف نشده باشند، در شرکت‌های اقماری شهرستان‌ها عملاً قطع شده‌اند.

این در حالی است که ساعت کاری واقعاً کاهش نیافته، بلکه تنها با شیفت‌ها بازی شده است. به‌عنوان مثال، شیفت شب که پیش‌تر از ۱۲ شب تا ۷ صبح بود و مزایای خاص خود را داشت، به‌طور کامل حذف شده است. اکنون شیفت‌ها را هفت‌ساعته کرده‌اند و کارگر شیفت دوم از ساعت ۱۲:۳۰ یا ۱ بعدازظهر تا ۷ شب کار می‌کند.

در برابر این ابعاد از تعرضات معیشتی در سایه شرایط جنگی، زمره‌های اعتراض در میان کارگران هر روز بلندتر می‌شود. کارگران به این فشارهای معیشتی، به دزدی‌ها و اختلاس‌ها، به تبعیض و نابرابری اعتراض دارند و بازتاب این خشم را می‌توان به‌روشنی در گفته‌ها و اخبار منتشرشده از این ابرکارخانه دید.

آنچه امروز در سایپا می‌گذرد، روایت شرایطی است که بر بسیاری از مراکز کارگری حاکم شده است. پاسخ به این وضعیت، گسترش اعتراضات سراسری کارگری است. سایپا با هزاران کارگر می‌تواند به یکی از کانون‌های داغ اعتراض علیه تعرضات معیشتی حکومت و سرمایه‌داران مفت‌خور حاکم تبدیل شود. تأکید ما بر اتحاد مبارزاتی کارگران و حرکت به‌سوی اعتراضات گسترده در همراهی با خانواده‌ها و اعتصابات سراسری است.

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۲

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL جدید
کانال جدید



اینترنت؛ از ابزار سرکوب تا بستر سازمان‌یابی و همبستگی منصور رضوانی

در دنیای امروز، اینترنت تنها یک فناوری نیست؛ شریان حیاتی جامعه مدرن و بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره مردم است. میلیون‌ها نفر برای کار، آموزش، درمان، ارتباط با خانواده و کسب درآمد به آن وابسته‌اند.

از همین رو، قطع سراسری اینترنت توسط جمهوری اسلامی تنها یک محدودیت ارتباطی نبود؛ این اقدام حمله‌ای آشکار، مستقیم و سازمان‌یافته به زیرساخت حیاتی زندگی مردم ایران بود؛ حمله‌ای علیه حق ارتباط، معیشت، آموزش، امنیت روانی و دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات.

برای جمهوری اسلامی، اینترنت همواره ابزاری برای کنترل جامعه و حفظ قدرت بوده است و قطع آن، شکلی از مجازات جمعی مردم به شمار می‌رود. این حکومت در بزرگراه‌های سیاسی و اجتماعی بارها نشان داده است که نخستین واکنشش در برابر اعتراضات مردمی، خاموش کردن صدای جامعه از طریق قطع ارتباطات است. این سیاست ادامه همان رویکردی است که سال‌ها در کنار زندان، اعدام، سرکوب خیابانی و خاموش کردن رسانه‌های مردمی دنبال شده و تلاشی سازمان‌یافته برای منزوی کردن جامعه و جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات و همبستگی عمومی بوده است.

جمهوری اسلامی در سایه این خاموشی دیجیتال، کشتار دی‌ماه ۱۴۰۴ را رقم زد و با تداوم قطع اینترنت و تبدیل شهرها به فضایی امنیتی و نظامی، به سرکوب و جنایات خود ادامه داد.

حکومتی که اینترنت را قطع می‌کند، در واقع از آگاهی مردم، از ارتباط آزادانه انسان‌ها با یکدیگر، از گردش مستقل اطلاعات و روایت‌ها و از شکل‌گیری همبستگی و قدرت جمعی جامعه هراس دارد. جمهوری اسلامی تجربه خیزش دی‌ماه در بیش از دویست شهر و تداوم اعتراضات مردمی، علیرغم کشتار و سرکوب گسترده، را در حافظه خود دارد. از همین رو، با ادامه خاموشی دیجیتال تلاش کرد جامعه را از طریق سرکوب، زندان و اعدام در سکوت نگه دارد.

قطع نزدیک به سه ماهه اینترنت تأثیر مستقیمی بر تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه داشت. هزاران کسب‌وکار فلج شدند و موجی از بیکاری، فقر و تخریب معیشت مردم را به همراه آورد. این در حالی بود که سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت و پیامدهای آن، وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه را بیش از پیش بحرانی کرده بود.

با این همه، مردم در برابر این شرایط تسلیم نشدند. علیرغم سرکوب، کشتار و امنیتی شدن شهرها، شبکه‌های همیاری و همبستگی مردمی شکل گرفت و بستر اعتراضات گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر را فراهم کرد. در چنین شرایطی بود که اعتراضات بار دیگر در نقاط مختلف کشور سر برآوردند.

وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی، فضای جنگی و ناامنی، خاموشی اینترنت و تداوم بی‌رحمانه سرکوب، جامعه را به وضعیتی انفجاری رساند. بازتاب این وضعیت را می‌شد در کارزار آوریل با ابعادی جهانی مشاهده کرد؛ کارزاری که در آن دسترسی آزاد به اینترنت به یکی از مطالبات مهم ۱۷۵ سازمان، گروه، جمع و حزب

شرکت‌کننده در مبارزه علیه زندان و اعدام تبدیل شد.

حکومت با ادامه قطع اینترنت، از یک سو خطر فروپاشی بیشتر اقتصاد و تشدید بحران‌های اجتماعی را پیش روی خود می‌دید و از سوی دیگر، اعتراضات فزاینده علیه خاموشی دیجیتالی به تهدیدی جدی‌تر برای بقای آن تبدیل شده بود. در نتیجه ناگزیر شد بخشی از محدودیت‌ها را کنار بگذارد و اینترنت را دوباره برقرار کند.

اما باز شدن دوباره اینترنت صرفاً اتصال چند سرور و بازگشت چند اپلیکیشن نبود؛ بلکه عقب‌نشینی از یکی از شدیدترین اشکال سرکوب مدرن علیه جامعه بود. بازگشت اینترنت، هرچند ناکامل و محدود، بار دیگر این حقیقت را یادآوری کرد که هیچ حکومتی نمی‌تواند برای همیشه جریان آزاد آگاهی و ارتباط میان مردم را متوقف کند. حکومتی که برای حفظ خود به خاموش کردن صداها، سانسور حقیقت و بریدن مردم از جهان متصل می‌شود، دیر یا زود با شکست روبه‌رو خواهد شد.

باز شدن اینترنت در شرایطی رخ داده است که دادخواهی علیه کشتار دی‌ماه همچنان یکی از مطالبات اصلی جامعه است، فشارهای معیشتی ناشی از سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت تشدید شده و تلاش برای تحمیل هزینه‌های جنگ و دستگاه سرکوب بر دوش مردم ادامه دارد. در چنین وضعیتی، جامعه بیش از هر زمان دیگری به تهدیدی جدی برای حاکمیت تبدیل شده است.

امروز جمهوری اسلامی در یکی از ضعیف‌ترین موقعیت‌های خود قرار دارد. اکنون که بخشی از ارتباطات دوباره برقرار شده است، نباید این گشایش صرفاً به بازگشت فعالیت‌های روزمره محدود بماند. این امکان باید به ابزاری برای تقویت اتحاد و همبستگی اجتماعی تبدیل شود؛ برای بازسازی شبکه‌های ارتباطی مستقل، سازماندهی در محلات، دانشگاه‌ها، مدارس و محیط‌های کار، رساندن صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی، ثبت و انتشار روایت‌های واقعی مردم و زنده و رسا نگه داشتن صدای «زن، زندگی، آزادی».

اینترنت بستر حافظه جمعی، روایت حقیقت و امکان همبستگی یک جامعه است. هر بار که این مسیر دوباره گشوده می‌شود، فرصتی تازه برای بازسازی اعتماد، آگاهی و پیوند میان مردم فراهم می‌آید؛ فرصتی برای گسترش سازمان‌یابی، تداوم مبارزات مردمی و هموار کردن مسیر دستیابی به مطالبات آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه. بهره‌گیری از درس‌های این دوره و دستاوردهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌تواند نیرویی برای پیشروی بیشتر مبارزات اجتماعی و تحقق اهداف آن باشد.

BOYCOTT
Iran's killer regime!

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع رانندگان استجاری و اخباری از نفت

ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام

امروز پنجم خرداد ماه کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» (در هفته صدویست و دوم در ۵۶ زندان مختلف کشور همچنان ادامه یافت.

در بیانیه هفتگی این کارزار با تاکید بر تداوم کارزار سه شنبه های نه به اعدام از ممنوع الملاقات و تماس بودن زندانیان بند زنان اولین که هر سه شنبه با این کارزار همراه هستند خبر داده است. در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار با اشاره به ادامه موج اعدامهای سیاسی و صدور احکام اعدام بیشتر از سوی حکومت چنین آمده است: «در هفته اخیر حکم اعدام زندانی سیاسی منوچهر فلاح در زندان لاگان رشت پس از نقض مجدد تایید و روح الله کرکی در زندان شیبان اهواز و حکم اعدام زندانیان سیاسی میلاد آرمون، نوید نجاران، مهدی ایمانی و سید محمدمهدی حسینی متهمان پرونده موسوم به «شهرک اکباتان» تایید شده و جان آنها به شدت در خطر است.» در آخر این بیانیه اعضای کارزار سه شنبه های نه به اعدام از ارگانهای حقوق بشری بین المللی و وجدانهای بیدار خواستار شده اند که با به کارگیری اقدامات موثر مانع تداوم اعدامهای غیرانسانی در ایران شوند و در کنار مردم ایران برای آزادی و عدالت و لغو حکم اعدام بایستند.

تجمع رانندگان استجاری سراسر کشور

روز گذشته چهارم خرداد ۳۵۰ نفر از رانندگان استجاری در اعتراض به عدم روشن شدن وضعیت استخدامی خود از استانهای مختلف به تهران آمده و در مقابل دفتر پزشکین تجمع کردند. به گفته معترضین در مجموع هفت هزار نفر راننده استجاری هستند که مقرر شده بود از سال ۱۴۰۰ وضعیت کاری آنها روشن شود. از این تعداد ۳۵۰ نفر آنها همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرند و پیگیر حق و حقوق خود هستند. این رانندگان در سال گذشته نیز بارها از استانهای مختلف به تهران آمدند و مقابل نهادهای مسئول از جمله ریاست جمهوری تجمع داشتند.

بازگشت به کار بیش از ۶۰ کارگر اخراجی پتروناد

روز گذشته چهارم خرداد ماه کارگران پتروناد ماهشهر پس از یک هفته تجمع و اعتراض مقابل دفتر شرکت و فرمانداری بندرامام، موفق شدند بیش از شصت همکار اخراجی خود را سر کار بازگردانند. طبق گزارش در این روز طی جلسه ای با شرکت فرماندار و سایر مسئولان شهرستان و با حضور مدیرعامل شرکت پتروناد و مدیرکل کار بندر امام دستور بازگشت به کار بیش از ۶۰ نفر از کارگران اخراجی صادر شد که در آن قید شده بود که باید ظرف ۲۴ ساعت سر کار خود بازگردانند. بعد از ابلاغ این دستور کارگران اعلام کردند که اگر همکاران اخراجی را به شرکت راه ندهند، دوباره تجمع خواهند کرد. این موفقیت نتیجه اتحاد مبارزاتی کارگران این مجتمع است و



الگویی برای اعتراض علیه اخراجها و مقابله با تعرضات حکومتی است. طبق گزارشات شمار کارگران اخراجی دوست نفر است و کارگران خواستار بازگشت به کار همه همکاران اخراجی خود هستند.

انفجار در پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی

طبق گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) صبح روز چهارم خرداد ماه ۱۴۰۵ در جریان آواربرداری تأسیسات آسیب دیده در نتیجه انفجار گازهای باقیمانده در خطوط لوله شش کارگر پیمانکاری متصدی آوار برداری دچار آسیب دیدگی شدند که سه تن آنها به بیمارستان عسلویه اعزام گردیدند.

در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «برخلاف گزارش دروغین مدیران منطقه ویژه پارس جنوبی و شورای تامین منطقه به دلیل فتن کشی و جداسازی مناطق آسیب دیده پالایشگاه، حضور با تاخیر تیم آتش نشانی و اورژانس در عملیات نجات و تاخیر در خروج کارگران مصدوم از منطقه بحران، آسیب جدی این همکاران را رقم زده است»

طبق همین گزارش و به نقل از کارگران شاغل در پالایشگاههای آسیب دیده در پارس جنوبی و پتروشیمی های عسلویه و ماهشهر، مسئولین حکومتی تلاش در عادی سازی شرایط و پنهان سازی گسترده خرابیهای ناشی از جنگ را دارند. از همین رو کارگران را وادار به کار اجباری بازسازی در شرایطی بسیار ناامین میکنند. و این در حالی است که هیچ یک از این مدیران صلاحیت امضای مجوز انجام عملیات «پرمیت صدور مجوز کار» در شرایط فوق العاده جنگ و حتی بازسازی را ندارند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت در گزارش خبری خود این تحمیل اجباری کار بازسازی به کارگران توسط این مدیران را که هیچگونه آموزشی ندیده و دوره خاصی ندیده اند را عملی غیر قانونی و بازی با جان کارگران خوانده و هکاران خود را در تمامی بخش های نفت به گسترش اعتراضاتشان در مقابله با این تعرضات فراخوانده است.

خبرها از مراکز نفتی حاکی از فضای انفجاری اعتراضی کارگران است. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد سراسری کارگران در مقابل تعرضات حکومت، پرداخت خسارت به کارگران به خاطر بیکار شدن از کار در نتیجه صدمات جنگی که حکومت مسبب و بانی آن هست، فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ خرداد ۱۴۰۵، ۲۶ مه ۲۰۲۶



سپیده قلیان آزاد شد

اعتراضات بازنشستگان، پرستاران، نانوایان و کسبه از سر گرفته میشود



امروز یکشنبه دهم خرداد ماه جمعی از پرستاران استان یزد با تجمع مقابل ساختمان استانداری، در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه تعرفه‌های خدمات پرستاری و مشکلات معیشتی خود دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت فوری معوقات مزد خود شدند. در این تجمع اعتراضی پرستاران شعار میدادند: پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن، پرستار می میرد، ذلت نمی پذیرد، وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه، پرستار نباشه، سیستم از هم می پاشه

تجمع اعتراضی نانوایان مقابل استانداری خراسان

روز گذشته نهم خرداد ماه نانوایان خراسان در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری، تجمع کردند. به گفته نانوایان با گرانی های بیشتر و عدم پرداخت یارانه ها وضع معیشتی آنها وخیم تر شده و بسیاری از واحدهای نانوايي تحت فشارهای اقتصادی شدید قرار دارند. این اعتراضات ادامه دارد.

تجمع کسبه بازار جنت در اعتراض به گرانی ها

روز شنبه نهم خرداد ماه کسبه بازار جنت، بخاطر گرانی ها و فشار سخت معیشتی تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ خرداد ۱۴۰۵، ۳۱ مه ۲۰۲۶

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ خرداد ۱۴۰۵، ۳۱ مه ۲۰۲۶

سپیده قلیان آزاد شد

روز نهم خرداد ماه سپیده قلیان، زندانی سیاسی و چهره محبوب مردمی بعد از سپری کردن شش ماه حبس از زندان وکیل آباد مشهد آزاد شد. آزادی سپیده عزیز را به او، به خانواده اش و همگان تبریک میگوییم.

سپیده بعد از آزادی از زندان به مزار خسرو علیکردی رفت و با گرامیداشت یاد او عکسی انتشار داد و نوشت: "از زندان یک راست آمدم سر خاک خسرو، جور عجیبی حس میکنم چونان "سبزیف" از طرف خدایگان محکومان کرده‌اند که "سنگی را به بالای تپه ببریم". پس تلاش می‌کنم حملش کنم و بکشم با خودم بالای تپه؛ دوباره و دوباره، به اندازه همه تکرارهای سرسام‌آور و ضروری جهان. بار سنگین حمل حقیقت، تمام تکه‌های حقیقت. جدا جدا و قطعه قطعه. آنچنان که دایم قطع‌مان میکنند، مثل همین اینترنتی که طولانی‌ترین قطعی جهانش نیز از آن ماست. با خودم قرار گذاشته‌ام از هرچه خسته می‌شوم بشوم، اما از رسیدن به آزادی و حمل کردن این سنگ‌های سخت حقیقت «نه». «برای همین رفتار داعش‌گونه جمهوری اسلامی در مراسم خسرو نباید و نمیتواند بگذارد که سنگ نیمه تمام در آذر ۱۴۰۴، رازمین بگذارم.»

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، رشت و تهران

امروز یکشنبه دهم خرداد ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، تهران و رشت در اعتراض به دستمزدهای ناچیز، فقر و فلاکت، تورم و گرانی، تبعیض و نابرابری و بساط چپاول و سرکوب حاکم و وضع معیشتی بشدت وخیم خود در گرمای هوای بالای ۴۵ درجه دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

در شوش تجمع کنندگان شعار میدادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "گرانی تورم بلای جان مردم، کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تامینو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "قط کف خیابون، بدست میاد حقمون". در آخر بازنشستگان سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" را سر دادند. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند.

تجمع اعتراضی پرستاران در یزد



کشتار و اعدام و خاموشی دیجیتال نیست جلودار ما



عزم آهنین ما مردم آزادیخواه، سد کشتار و سرکوب و اعدام را در هم می شکند و توقف و لغو احکام اعدام و دادخواهی فریاد مشترک ماست! ما مردم یکپارچه دادخواه جان عزیزانمان هستیم و جنایتکاران حاکم با خاموشی دیجیتال و گسترش اعدام هم نخواهند توانست به بقای ننگین خود ادامه دهند. وحشیگری حاکمان در ادامه کشتار در زندانها و گسترش اعدام ها ما را متحد تر و مصمم تر خواهد کرد.

هولوکاست اسلامی کشتار دی ماه را براه انداختند و فرشی از اجساد عزیزانمان را در برابر سیل هجوم مردم پهن کردند تا فریاد آزادیخواهی ما را خاموش کنند ولی رقص و پایکوبی دادخواهی ما سیلی محکمی بر صورت کثیف حاکمان قاتل نواخت.

ما ادامه دهندگان راه عزیزانمان هستیم و با در هم شکستن اعدام و سرکوب به سیاهی و تباهی حاکم پایان خواهیم داد.

ما دادخواهان در کنار صف متحد "اعدام نکنید"

از همه تلاشها و کارزارهای توقف و لغو اعدام در ایران، در سراسر جهان حمایت میکنیم.

"پیمان آوریل" که در ادامه کارزار جهانی علیه اعدام و زندان در سراسر دنیا بر لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی برای همیشه تاکید کرده است، پیمان ما نیز هست.

ما هم با آن همصدا هستیم.

از همه انسانها و نهادهای آزادیخواه میخواهیم صدای #نه_به_اعدام و دادخواهی را هر چه رساتر فریاد کنند.

ما مردم همگان دادخواهیم و پیگیر راه عزیزانمان هستیم. با پرچم اتحاد #زن_زندگی_آزادی همه بساط غارت و جنایت را در هم خواهیم شکست و با محاکمه کشاندن همه جنایتکاران، زندگی و آزادی را بدست خواهیم آورد.

امضا:

"دادخواهان"

اعدام نکنید

در حمایت از فراخوان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار



به شکلی موجه بر کرسی سازمانی بنشیند که بر این اصل بنا شده است که کودک، نیروی کار و ابزار نیست. تداوم عضویت این حکومت، رسالت سازمان جهانی کار را پیش نمی برد؛ آن را بی اعتبار می کند.

هر شکل از فشار، تبعیض و سرکوب بر نیروی کار در جامعه، در حقیقت حمله ای بی واسطه به کودکان و به حق کودک است؛ آنجا که معاش و امنیت و حق تشکیل یابی از کارگران سلب می شود، کودکی کودکان نخستین چیزی است که فرومی پاشد. از همین رو، بیانیه ی «کمپین برای آزادی کارگران زندانی Free Them Now»، در دفاع از کارگران، از حقوق کودکان نیز دفاع می کند و «مدافعان حق کودک در ایران» به همین دلیل در کنار آن ایستاده است.

ما از دولت های عضو و از نمایندگان کارگران و کارفرمایان در سازمان جهانی کار می خواهیم که از اخراج جمهوری اسلامی پشتیبانی کنند، و بر این موضع خود پافشاری میکنیم که تا زمانی که این حکومت بر سر کار است، باید از سوی جامعه ی بین المللی منزوی و بایکوت شود.

مدافعان حق کودک

۲۶ می ۲۰۲۶

برگرفته از مدیای اجتماعی

«مدافعان حق کودک در ایران» با قاطعیت از بیانیه ی صادرشده از سوی «کمپین برای آزادی کارگران زندانی - Free Them Now» در مطالبه ی اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و ممانعت از حضور نمایندگان آن در صد و چهاردهمین اجلاس سالانه ی این سازمان پشتیبانی می کند.

پشتیبانی ما از این بیانیه، پیش از هر چیز، از جایگاه دفاع از حق کودک و لغو کار کودک است. اسناد بنیادین سازمان جهانی کار از جمله مقاله نامه ی شماره ۱۳۸ درباره ی حداقل سن اشتغال و مقاله نامه ی شماره ۱۸۲ درباره ی بدترین اشکال کار کودک، در ایران مفاهیمی انتزاعی نیستند. این اسناد در برابر میلیون ها کودکی سنجیده می شوند که کودکی شان پیشاپیش از آنان سلب شده است: کودکانی که در ساختارهای نظامی و شبه نظامی به کار گرفته می شوند؛ کودکان قربانی بهره کشی جنسی و قاچاق؛ کودکان کولبر، سوخت بر، کودکان کار فاقد اوراق هویت در کوره پزخانه ها و در خیابان ها، کودکان بدون شناسنامه که به حکم قانون از تحصیل و از هرگونه حمایت محروم اند، کودکان زباله گرد و کودکان کار در معادن و بنادر و دیگر مشاغل مرگبار؛ کودکان کار در مزارع، قالیبافی ها، کارگاه ها و کارخانه ها؛ کودکانی که به کار خانگی و مراقبتی اجباری واداشته می شوند؛ کودکان کاری که کارشان حتی «کار» نامیده نمی شود اما آنان را از آموزش، سلامت و کودکی محروم می کند. همان حکومتی که کودکان را به کار، فقر و بهره کشی می راند، در کشتار دی ماه نیز کودکان را بازداشت، زندانی و به قتل رسانده است و همچنان با اعدام، کشتار و سرکوب، جامعه و هر صدای معترضی را هدف قرار می دهد. از این رو، نقض حقوق کودکان در ایران تنها به بهره کشی از نیروی کار آنان محدود نیست؛ بلکه بخشی از ساختار گسترده تر خشونت دولتی، سلب معیشت و سرکوب سیاسی است.

حکومتی که کودکان را در چنین شکل گستره ای به کار می گیرد، نمی تواند

دوم ژوئن:
آکسیون در مقابل
کنفرانس ILO در ژنو

در اعتراض به حضور
جمهوری اسلامی
در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار
و **نسل کشی دیماه**
این حکومت آدمکش

برگزار کنند کمپین برای آزادی کارگران زندانی
FREE THEM NOW

زمان:
ساعت یک
بعدازظهر
دوم ماه ژوئن

مکان:
میدان ملل
ژنو

International
Labor
Organization
Organisation
internationale
du Travail
Organización
Internacional
del Trabajo

FREE THEM NOW
CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN

FREE THEM NOW

DURING THE BLOODY CRACK-DOWN ON PROTESTS BY THE ISLAMIC REGIME, TENS OF THOUSANDS HAVE BEEN ARRESTED. WITH THE OUTBREAK OF THE WAR, ARRESTS HAVE INCREASED. AMONG THOSE DETAINED ARE NUMEROUS LABOR ACTIVISTS, TEACHERS, NURSES, AND CHILD RIGHTS ADVOCATES.

ALL DETAINEES FROM THE JANUARY MASSACRE, ALONG WITH ALL POLITICAL PRISONERS, MUST BE RELEASED IMMEDIATELY AND UNCONDITIONALLY.

**BOYCOTT THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!
THE LEADERS OF THIS REGIME MUST BE TRIED IN THE INTERNATIONAL TRIBUNALS FOR THEIR CRIMES**

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

یورش مأموران امنیتی به منزل محمود بهشتی؛ احضار به دفتر پیگیری لنگرود

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان صبح روز پنجم خرداد ماه مأموران امنیتی وابسته به اطلاعات سپاه با حضور در منزل محمود بهشتی از فعالین شناخته شده و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران و عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ضمن تفتیش محل و ضبط برخی وسایل ارتباطی و شخصی، از وی خواستند برای ارائه توضیحات خود را به دفتر پیگیری در لنگرود معرفی کند.

محمود بهشتی از فعالان شناخته شده صنفی و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران و همچنین عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعلام این خبر اعتراض خود را به تداوم بازداشتها و برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی و حق مسلم معلمان و فعالین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود تاکید کرده و خواستار پایان دادن به برخوردهای امنیتی با فعالین اجتماعی شد

برگرفته از مدیای اجتماعی

گروگان گیری معیشت کارگران در پتروشیمی ماهشهر؛ کارگران دست به تجمع زدند!



این اعتراضات در ماهشهر منحصر به این واحد نیست و فضای کارگری منطقه سربندر در اردیبهشت ۱۴۰۵ به شدت ملتهب گزارش می شود. هم زمان کارگران پتروشیمی «پتروناد آسیا» نیز در اعتراض به اخراج ناگهانی ۲۰۰ کارگر بومی از ابتدای سال جاری، تجمعات مداومی را در برابر فرمانداری شکل داده اند.

برگرفته از مدیای اجتماعی

روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، کارگران قراردادی شرکت پاپانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به کسر ناگهانی مزایای معیشتی خود دست به تجمع زدند.

این بحران زمانی آغاز شد که در سال ۱۴۰۳، پس از ماهها پیگیری کارگران، رأی قطعی دادگاه برای پرداخت مطالبات معوقه ۴۸ نفر از پرسنل صادر شد و حکم نیز اجرا شد

اما پس از برداشت قانونی این مبالغ از حساب شرکت، مدیریت مجموعه در اقدامی تلافی جویانه، همان مبالغ را در فیشهای حقوقی جدید تحت عنوانی چون «حق بهره‌وری»، «رفاهیات» و «مزایای مناسبتی» از دستمزد کارگران کسر کرد تا حکم دادگاه را بی اثر کند.

علاوه بر این ممارست مالی، کارفرمای این شرکت پتروشیمی با کاهش مدت زمان قراردادهای کاری به سه ماه برای نیروهای قراردادی و یک ماه برای کارگران ارکان ثالث، امنیت شغلی بدنه کارگری را به شدت مخدوش کرده است.

مدیریت شرکت در توجیه این تصمیمات و حذف مزایای مزدی کارگران، به اوضاع بحرانی منطقه و تشویشهای نظامی چهل روز گذشته متوسل شده است؛ بهانه‌ای که از سوی کارگران رد شده، چرا که این واحد بارگیری و تخلیه، بدون هیچ آسیب یا توقیفی همچنان به فعالیت سودآور خود ادامه می دهد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



Sedayeh Mostaghel Kargaran Gorooh e Meli Foolad (Courtesy)

به درستی اجرا نشده و فاصله میان زحمات کارکنان و دریافتی واقعی روزبه روز بیشتر شده است.

در این میان، انتظار می‌رفت نماینده کارگر مدافع حقوق و مطالبات کارکنان باشد، اما متأسفانه برداشت غالب میان پرسنل این است که بهنام نجفی به جای ایستادن کنار کارکنان، در بسیاری موارد از تصمیمات کارفرما حمایت کرده و نتوانسته صدای واقعی اعتراضات پرسنل باشد. همین موضوع باعث شده اعتماد بخشی از کارکنان به جایگاه نمایندگی کارگر به شدت آسیب ببیند؛ به ویژه با توجه به اینکه طی دو دوره متوالی، با وجود اعتراضات و ناراضیاتی‌ها، همچنان در این جایگاه باقی مانده است. ما کارکنان خواستار شفاف‌سازی فوری درباره نحوه تعیین حقوق سال ۱۴۰۵، بازنگری در سقف‌گذاری دستمزدها، توضیح روشن درباره تغییر فرمول‌های پرداخت پس از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و احترام به حق اعتراض و مطالبه‌گری پرسنل هستیم.

سکوت در برابر این شرایط، به معنای پذیرفتن تضییع حقوق کارکنان است. گروه ملی صنعتی فولاد ایران برگرفته از مدیای اجتماعی

بیانیه اعتراضی پرسنل شرکت گروه ملی صنعتی در خصوص افزایش حقوق سال ۱۴۰۵

مدت‌هاست که ناراضیاتی کارکنان نسبت به نحوه تعیین حقوق و مزایا به بالاترین حد خود رسیده و متأسفانه به جای شنیدن صدای پرسنل، تصمیماتی گرفته می‌شود که فشار معیشتی را بیشتر و انگیزه کارکنان را کمتر کرده است. در جلسه اخیر با حضور مدیرعامل، تمامی مدیران شرکت، بنی‌نعمه (معاون منابع انسانی)، نادى‌زاده و بهنام نجفی به‌عنوان نماینده کارگر، موضوع افزایش حقوق سال ۱۴۰۵ مطرح شد؛ اما آنچه از این جلسه به گوش کارکنان رسیده، نه تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی، بلکه تعیین سقف برای حقوق‌ها و جلوگیری از افزایش واقعی دستمزدها بوده است؛ به‌طوری‌که مقرر شده سقف حقوق از عدد مشخص شده توسط مدیرعامل (حدود ۱۳۰ میلیون تومان) بالاتر نرود، بدون آنکه شرایط تورمی، سابقه، تخصص، سختی کار و وضعیت واقعی زندگی کارکنان در نظر گرفته شود.

نکته تأسف‌بارتر این است که در همان جلسه، مدیرعامل در حضور تمام مدیران نسبت به اعتراض کارکنان موضعی تند اتخاذ کرده و از مدیران سؤال کرده که چرا با پرسنلی که اعتراض دارند برخورد نمی‌شود. این نگاه که به جای پاسخ‌گویی به مطالبه قانونی و معیشتی کارکنان، به فکر برخورد با معترضان باشد، تنها باعث عمیق‌تر شدن شکاف میان مدیریت و پرسنل خواهد شد.

همچنین بسیاری از کارکنان بر این باورند که از زمان اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، عملاً در فرمول‌های پرداخت و ساختار حقوق دست برده شده تا افزایش واقعی حقوق پرسنل محدود شود و اثر اجرای این طرح به نفع کارکنان به حداقل برسد. موضوعی که باعث شده بخش بزرگی از پرسنل احساس کنند عدالت مزدی

حمایت‌ها از پیمان آوریل ادامه دارد!

در ادامه حمایت‌ها از پیمان آوریل که در آن بر لغو و ممنوعیت اعدام و جرم زدایی از فعالیت سیاسی و مدنی بعنوان دو خواست مهم برای امروز و فردای جامعه ایران تأکید شده است، چند جمع و نهاد از ایران از این پیمان نامه حمایت کرده‌اند.

جمعی از کارگران ارکان ثالث، جمعی از خانواده‌های دادخواه و اعدامی خرم‌آباد، جمعی از جوانان لرستان و دو نهاد دادخواهان و اعدام‌نکنند از حامیان جدید این پیمان نامه هستند.

بدین ترتیب تا کنون ۱۲۰ نهاد و سازمان سیاسی و مدنی و جمع از پیمان موسوم به آوریل حمایت خود را اعلام کرده‌اند.

امضاکنندگان این پیمان متعهد می‌شوند برای توقف فوری و لغو کامل مجازات اعدام در ایران مبارزه کنند و اعدام را مجازاتی ضدانسانی و ابزار برای سرکوب سیاسی می‌دانند.

همچنین بر آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، فارغ از عقاید و گرایش‌های آنان، تأکید دارند. این پیمان از برچیده شدن زندان سیاسی و تضمین آزادی‌های بنیادین از جمله آزادی بیان، عقیده، تشکیل‌بایی، اعتراض و اعتصاب در ایران آینده حمایت می‌کند.

برای امضای این پیمان نامه لطفاً با این آدرسها تماس بگیرید:

تلفن تماس: +393894732871
تماس از طریق تلگرام: @NoToExecutions_Tamas
@FreePoliticalPrisoners

زندانی سیاسی، معترض زندانی



آزاد باید گردد!